

## تحلیل مفاهیم و گزاره های حقوقی داستان «پینه دوز شیرازی» در کتاب قصه های کوتاه برای بچه های ریش دار اثر محمدعلی جمال زاده با رویکرد جرم شناسی

رسول افضل<sup>۱</sup>، مهیار علوی مقدم<sup>۲\*</sup>، محمود فیروزی مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

<sup>۲</sup> دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

نویسنده مسئول: Email: m.alavi2007@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

### چکیده

مطالعه پیوند علم حقوق به عنوان دانشی که از روابط حقوقی (تکالیف و حقوق) اشخاص بحث می کند و مفاهیم و گزاره های حقوقی در متن های ادبی، نمونه بارزی از مطالعات میان رشته ای است. ادبیات داستانی معاصر فارسی، گاه بیانگر آموزه های حقوقی و نوعی نگاه آسیب شناختی به پدیده های اجتماعی است که آموزش خوانش صحیح و برداشت درست از این گزاره ها و مفاهیم حقوقی، زمینه را برای زندگی بهتر و سالم تر فراهم می کند. داستان «پینه دوز شیرازی» در کتاب قصه های کوتاه برای بچه های ریش دار اثر محمدعلی جمال زاده با پرداختن به یک معضل اجتماعی و حقوقی، بر ذهن و روان خواننده تأثیرشگرفی می گذارد، استفاده از عناصر داستانی و توصیف جزئیات و صحنه ها، ضمن بیان مفاهیم و گزاره های حقوقی، نشانگر قابلیت های این داستان در بیان معضلات حقوقی است. دستاورد این مقاله که براساس روش کتابخانه ای و روش کیفی انجام شده، آن است که آثار داستانی فارسی دارای آموزه های حقوقی و رهیافت های آسیب شناختی در زمینه پدیده های اجتماعی می باشد که تبیین صحیح آن ها و خوانش درست این گزاره ها و مفاهیم حقوقی، جامعه سالم تری پدیدمی آورد.

کلیدواژه: مفاهیم حقوقی، مطالعات میان رشته ای، داستان «پینه دوز شیرازی».

### ۱. مقدمه

در عصر حاضر، نظام های اجتماعی و فرهنگی چنان در یکدیگر تنیده و آمیخته شده اند که مطالعه و پژوهش جداگانه هریک از علوم، نتیجه ای مناسب در پی نخواهد داشت. این در هم تنیدگی سبب شده است گرایش به مطالعات تطبیقی و بین رشته ای یک ضرورت علمی به شمار رود؛ شماری از بایستگی های مطالعات تطبیقی و میان رشته ای عبارتند از: ارتقای سطح خلاقیت افراد، پیدایش عرصه های جدید علمی، واکاوی و شناخت خطاهای طرفداران رشته های علمی، حل بسیاری از مشکلات فکری، اجتماعی و عملی، بالا بردن سطح انعطاف پذیری پژوهشگران، زدوده شدن شکاف های ارتباطی بین متخصصان رشته های تخصصی، گسترش سطح عقلانیت و عدالت اجتماعی در جامعه، فرایند تبدیل وحدت یکپارچگی علوم به تجزیه آن و تکتگرایی، تخصصی شدن دانش ها در پی رشد و پیشرفت علوم (علوی مقدم، ۱۶۰: ۱۳۹۷).

به ویژه در پژوهش های حقوقی و ادبی، انجام تحقیقات تطبیقی و میان رشته ای، بستر مناسبی را در جهت کشف مسئله های تازه و بکر در فرآیند پژوهش مهیا خواهد کرد. «در این میان، علوم انسانی معطوف به مطالعه ویژگی های انسانی و برخوردار از زیر شاخه های متنوع فلسفی، حقوقی، عقیدتی، هنری، زیبا شناسی، سیاسی و ... است که نمی توان آن ها را به طور کامل از هم جدا کرد، بلکه تخصص گرای، دقت و عمیق شدن در یک بعد، باعث تجزیه و جدایی آن ها از یکدیگر شده است» (ابراهیمی، ۱۳۹: ۲۰).

ازسوی دیگر می بایست توجه کرد که «ادبیات به گونه ای گسترده و عمیق، در واقعیت های اجتماعی ریشه دارد. ادبیات به واقعیات صریح و آشکاری توجه می کند که در متن جامعه حضور دارد؛ واقعیت هایی که در قالب تلخ و گزنده به وقوع می پیوندد و با شرایط عصر خود برخوردی بی واسطه دارند» (نوریان محمدی، ۱۳۹۱: ۱۸). این یک حقیقت است که آثار داستانی معاصر فارسی را می توان مجموعه ای از آرای فکری و باورهای فرهنگی قوم ایرانی در نظر گرفت که اندیشه ها، عقاید و آرمان این ملت که متأثر از جامعه و مردم و نیازهای آنان می باشد در آن تبلور یافته است. یکی از زمینه های این بازتاب در ادبیات، مفاهیم حقوقی و قضایی است چراکه مباحث مرتبط با علم حقوق از جمله مسایلی است که در آثار داستانی برجستگی و نمود خاصی

دارد و تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ذکر این نکته نیز حایز اهمیت است که این مطلب در خصوص ادبیات تمام ملل صدق می نماید، چنان که فیلیپ مالوری، نویسنده فرانسوی، در کتاب ادبیات و حقوق می گوید:

در ادبیات، داستان های مختلفی به مسایل بزرگ حقوقی، اختصاص داده شده است. بعضی از نویسندگان ادبی نامدار را می توان به عنوان استادان حقوق زبردستی به شمار آورد. آثار آن ها در این زمینه بعضی اوقات بسیار دلنشین و بعضی اوقات بسیار سرگرم کننده است. آنان نشان دادند که حقوق، نظام بسته ای نیست که در خود فرو رفته باشد، بلکه بخشی از زندگی است. حقوق و ادبیات، خویشاوندی آشکاری دارند. جایگاه رفیع روابط زن و مرد و رعایت حقوق انسان ها در ادبیات، انکار ناپذیر است. می توان حقوق و ادبیات را در دوجمله خلاصه کرد، فرهنگ هر ملتی با حقوق آن ملت آمیخته است و حقوق هر ملتی به نحو بسیار نزدیکی به فرهنگ آن ملت، بستگی دارد (مالوری، ۱۳۸۱: ۱۱).

با این رویکرد، آثار داستانی نمایانگر آموزه های حقوقی و نوعی نگاه آسیب شناختی به پدیده های اجتماعی همانند طلاق است که تبیین صحیح آن و آموزش خوانش صحیح و برداشت درست از این گزاره ها و مفاهیم حقوقی، زمینه آماده سازی جامعه را برای زندگی بهتر و سالم تر فراهم خواهد کرد. از این منظر، داستان «پینه دوز شیرازی» از مجموعه داستانی قصه های کوتاه برای بچه های ریش دار اثر محمدعلی جمال زاده نمونه درخور توجهی در جهت تحلیل حقوقی می باشد. کارکرد هایی همانند تعالی روح، رواج ارزش های اخلاقی و انسانی، زمینه سازی برای تحمل پذیرتر کردن زندگی و لذت بردن از آن، آموزش مهارت های زندگی به خرده فرهنگ هایی همانند کانون خانواده، تنها بخشی از نتایج کارکرد گرایانه ادبیات برای دوران جدید زندگی انسان به شمار می رود. مخاطبان پژوهش حاضر، نگاه جامع تر و دقیق تری نسبت به یک پدیده تلخ اجتماعی همانند طلاق به دست خواهند آورد، با تبعات و آثار آن آشنا خواهند شد و این «خود آگاهی» عاملی خواهد شد در جهت پیشگیری و برخورد صحیح با این پدیده و این امر، به حفظ کیان خانواده کمک خواهد کرد. از سوی دیگر، عرصه پژوهش های تطبیقی و میان رشته ای، به پژوهشگر کمک می کند به مسئله های بکر در حوزه ادبیات دست یابد و طبعاً این امر نه تنها از رکود علمی جلوگیری خواهد کرد بلکه افق دید گسترده تری در معرض پژوهشگران رشته های حقوق، ادبیات، جامعه شناسی، علوم تربیتی و ... قرار خواهد گرفت.

## ۱-۱. هدف و پرسش های پژوهش

این پژوهش در پی آن است که میزان قابلیت ها و ظرفیت های داستان «پینه دوز شیرازی» را در بیان مفاهیم و معضلات حقوقی و گوشزد آثار و تبعات آن، به بحث و بررسی بگذارد. افزون بر این، نگارندگان می کوشند با بیان ارتباط تنگاتنگ رشته زبان و ادبیات فارسی با رشته حقوق و لزوم انجام تحقیقات بین رشته ای، افق دید گسترده تری را در جهت کشف مسئله های بکر و جدید در فرآیند پژوهش و تحقیق قرار دهند. این پژوهش در پی پاسخ به پرسش های زیر است:

۱. در داستان «پینه دوز شیرازی» گزاره ها و مفاهیم حقوقی چگونه بازتاب یافته است؟
۲. قابلیت ها و ظرفیت های داستان «پینه دوز شیرازی» در بیان معضلات حقوقی و گوشزد آثار و تبعات آن چگونه است؟

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش های محدودی که بر اساس اصول و بایسته های دانش حقوقی درباره آثار داستانی باشد به زبان فارسی انجام شده است که از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

حسین کیانی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی چگونگی توجه به حقوق کودک در داستان بچه های قالیباف خانه، با تاکید بر حقوق کار در نظام حقوقی ایران» به بررسی مؤلفه های حقوق کار کودک و خلأ های قانونی که موجبات استثمار کودکان کار را در پی داشته است، پرداخته اند.

مریم محمودی و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله «باز بینی داستان شیر و گاو در کتاب کلیله و دمنه از منظر حقوق کیفری» به بررسی مؤلفه های حقوق جزا از قبیل آیین دادرسی کیفری و انطباق آن با اصول دادرسی اسلامی پرداخته اند. هم چنین مباحثی مرتبط با علم جرم شناسی هم چون مشخصات ظاهری مجرمین و نظریات جرم شناسان در این خصوص، به بحث و بررسی گذاشته شده است. جواد محمودی و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل حقوقی داستان حسنگ وزیر در تاریخ بیهقی» به بررسی این داستان از منظر حقوق جزای اسلامی پرداخته اند و مؤلفه هایی هم چون شهادت شهود، حقوق متهم و ... را بررسی نموده اند. همو (۱۳۹۳) در کتاب جلوه های حقوقی کلیدر از منظر حقوق خصوصی رمان مذکور را تحلیل نموده است. جواد محمودی و دیگران (۱۳۹۵) در کتاب جلوه های حقوقی جای خالی سلوچ از منظر حقوق جزا و جرم شناسی رفتار و اعمال شخصیت های اصلی رمان مذکور رابه بحث و

بررسی گذاشته اند. بنابر این با توجه به آن چه بیان شد تاکنون پژوهش های محدودی در خصوص تحلیل آثار داستانی براساس بایسته های حقوقی صورت گرفته است و این امر لزوم انجام تحقیقات بیشتر در این خصوص را اجتناب ناپذیر می نماید.

## ۲- مبانی نظری پژوهش:

### ۲-۱. خلاصه داستان «پینه دوز شیرازی»

پدر داستان نویسی جدید ایران، محمد علی جمال زاده، داستان «پینه دوز شیرازی» را با ذکر مقدمه ای همراه با شرح حالی از اوضاع فعلی روحی و اخلاقی شان آغاز می نمایند و سپس به یاد خاطره ای واقعی از دوست قدیمی خود، حاج محمد نمازی، افتاده و از آن پس خود زبان گویای دوستشان می شوند و ماجرا را چنین روایت می کنند.

در شهر شیراز و در ایام جوانی آقای نمازی ( دوست استاد )، دختر و پسر جوانی با یک دنیا عشق و آرزو پیوند زناشویی می بندند و پس از گذر مدت زمانی در اثر غرور و نادانی، کار آنها به طلاق ( آن هم سه طلاق در یک مجلس ) کشیده می شود و اندکی بعد از کرده خود پشیمان گشته و دوباره راه صلح و آشتی می جویند اما دریغ که اینک پای شوم محلل به میان آمده است و این غرامتی است سنگین برای این دو دلدا، الهایه بزرگان وزعمای قوم هرچه فکر می نمایند راه حلی به ذهنشان نمی رسد تا اینکه حاج محمد نمازی که در آن ایام، جوانی هجده ساله و دارای نام و نشان بوده است پا در میان می گذارد و به پیرمردی، پینه دوز، که در جوار خانه ایشان حجره ای کوچک دارد و فارغ از زن و بچه و با اندک مایه ای ناچیز بی اعتنا به مظاهر مادی دنیا، دمی مست و دمی شادان، زندگی می گذراند پیشنهاد ازدواج با دختر و بازی کردن نقش محلل را می دهد تا در ادامه آن زوج جوان بتوانند بار دیگر و پس از اجرای صیغه طلاق بین پیرمرد و دختر دوباره به آغوش گرم همدیگر باز گردند و نهایتاً پس از انکار های صورت گرفته با توجه به علاقه شدید پیرمرد به خاندان نمازی این امر محقق می گردد و بعد از آن اقوام و خویشاوندان موقع را مغتنم می شمردند و پس از مدتی غم و اندوه اینک یک عروسی شاهانه برقرار می کنند و با کبکبه و دبدبه، عروس و داماد رادکنارهم می نشاندند و نهایتاً با یک بوسه که داماد برپیشانی عروس می نشاند، عروسی صورت می گیرد و فرادی آن روز صیغه طلاق جاری می شود و با انقضاء مدت عده، آن دو دلدا مجدداً به یکدیگر رجوع می نمایند (جمال زاده، ۲۵۶: ۱۳۹۱-۲۲۹).

### ۲-۲. داستان «پینه دوز شیرازی»، حکایت یا واقعیت؟

در مقدمه داستان، از قلم نویسنده اثرمی خوانیم: «امروز بازمی خواهم برایتان یک سرگذشت واقعی حکایت کنم و امیدوارم لطف و جذبه یک داستان ساختگی را داشته باشد» (جمال زاده، ۲۲۹: ۱۳۹۱) اگرچه لازمه ادبیات داستانی، دخیل دانستن قوه تخیل است، با این همه، زمانی که خالق اثر در جای جای متن، تأکید بر واقعی بودن موضوع می نماید، اهمیت قضیه بیشتر آشکار می شود. فرض بر این است که اکثر مخاطبان چنین آثاری، نسبت به گزاره ها و مفاهیم حقوقی موجود در بطن داستان، خالی الذهن می باشند و اطلاعاتی از چند و چون مطلب و انطباق آن با واقعیات حقوقی ندارند. در نتیجه بنگرید به برداشت و دریافتی که در پایان مطالعه داستان در ضمیر مخاطب حک خواهد شد. این جاست که اهمیت و ضرورت چنین پژوهش هایی، آن هم بارویکرد تطبیقی و میان رشته ای بیشتر ظهور و بروز می نماید. لذا می بایست مفاهیم حقوقی موجود در متن اثر را برجسته کرد و انطباق و یا عدم انطباق آن را با واقعیات های موجود حقوقی مشخص کرد و این وقایع حقوقی را به نحو صحیحی برای مخاطبان شرح و بسط داد که طبعاً این امر به حفظ سلامت جامعه و پیشگیری از وقوع ناهنجاری های اجتماعی منجر خواهد شد. براین اساس، در داستان «پینه دوز شیرازی» با بیان مبهم برخی از گزاره ها و مفاهیم حقوقی مواجه می شویم که از آن میان می توان به عدم جواز سه طلاقه کردن زن، در یک مجلس، در فقه شیعه و نیز نحوه عمل (محلل) اشاره کرد.

### ۲-۳. عدم جواز سه طلاقه کردن زن در یک مجلس در ادله استنباط احکامی اسلامی

ادله استنباط احکام فقهی عبارت است از «ادله ای که برای استنباط و دریافت احکام فقهی، مورد استناد و استفاده قرار می گیرند. تعبیر علمای اصول در تعداد ادله مختلف است لکن اکثر اصولیین آن را چهار تا دانسته اند: قرآن، سنت، اجماع و عقل» (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

### ۲-۳-۱. بررسی عدم جواز از دیدگاه قرآن

قرآن مهم ترین دلیل اثبات احکام است. اهمیت آن از این منظر است که اساس دین اسلام و کلام پروردگار است. این قرآن است که تأکید می نماید که آن چه نبی (ص) می گوید کلام و وحی الهی است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» یعنی: او از روی هوس سخن نمی گوید. آنچه می گوید کلام دادار است (نجم: آیات ۲ و ۳). آیه ۲۲۹ سوره بقره چنین است:

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فِيمَا مَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَ لِيَجِلَّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ قِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ».

یعنی: طلاق، ( طلاقى که رجوع و بازگشت دارد) دو مرتبه است و در هر مرتبه باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند و آشتی نماید، یا با نیکی او را رها سازد و از او جدا شود و برای شما حلال نیست که چیزی که به آن ها داده اید، پس بگیرید؛ مگر این که دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آن ها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد و طلاق بگیرد. اینها حدود و مرز های الهی است؛ از آن تجاوز نکنید و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است.

پر واضح است که صریح قرآن کریم دلالت بر این امر دارد که امکان سه طلاقه کردن اعم از رجعی و بائن در یک جلسه وجود ندارد و می بایست بعد از هر طلاق، ایام عده در جهت رجوع رعایت شود و نهایتاً در سومین نوبت دیگر امکان رجوع منتفی می باشد و با این آیه قرآن دیگر امکان هرگونه چون و چرایی از مذاهب دیگر اسلامی گرفته شده است.

### ۲-۳-۲. بررسی عدم جواز از دیدگاه سنت

سنت یعنی «قول یا فعل یا تقریر معصوم (ع) در امور دینی، در واقع منظور از قول و فعل، گفتار و کردار و منظور از تقریر سکوت و رفتار تأیید آمیز معصوم است نسبت به فعل و عقیده ای که در حضور ایشان انجام یا مطرح شده و آن را رد نکرده باشند» (قمی، ۱۳۷۸ ق: ۴۹۵). در دلیل سنت که یکی دیگر از منابع استخراج احکام می باشد، احادیث و روایات متعددی بر عدم جواز سه طلاقه کردن در یک مجلس وجود دارد که اینک با توجه به اتفاق همه مذاهب اسلامی بر محوریت وجود مبارک نبی خاتم (ص) به ذکر روایتی از ایشان آن هم در یکی از بزرگترین و معتبرترین کتب اهل سنت بسنده می نمایم. در کتاب سنن نسائی، جلد ششم (ص ۱۴۲) این روایت را می بینیم که: «و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ لَبِيدٍ قَالَ: أَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثَلَاثَ تَطْلِيقَاتٍ جَمِيعاً، فَقَامَ غَضْبَانٌ، ثُمَّ قَالَ: أَلَيْعَبُ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنَا بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ؟! حَتَّى قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَا أَقْتُلُهُ؟» یعنی به رسول خدا خبر دادند که مردی، زنش را در یک مجلس، سه طلاقه کرد. حضرت با خشم برخورد و نگاه فرمود: آیا با کتاب خدا بازی می شود در حالی که هنوز من در میان شما هستم؟! تا آنجا که مردی برخورد و گفت: آیا اورا نکشم؟!».

### ۲-۳-۳. بررسی عدم جواز از دیدگاه اجماع

اجماع یعنی «اتفاق نظر افرادی که فتوای آن ها معتبر است در مورد مسایل شرعی به نحوی که کاشف از نظر معصوم (ع) باشد» (قافی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۲). در این خصوص در توضیح المسائل بیشتر مراجع آمده است که سه طلاق از نظر فقه شیعه در یک مجلس صحیح نیست بلکه باید در سه نوبت باشد یعنی اگر مردی، زنی را دوبار طلاق دهد و به او رجوع کند یا دوبار طلاق دهد و بعد از هر طلاق عقدش کند، بعد از طلاق سوم آن زن بر او حرام می شود و احتیاج به محلل دارد. یعنی شخص بالغ دیگری بعد از تمام شدن عده طلاق با این زن به طور دائم ازدواج نماید و با او نزدیکی نماید اگر بعد از این مرد بمیرد یا در حال اختیار و میل خودش، زن را طلاق دهد آن گاه بعد از گذشتن عده وفات یا طلاق، با آن شوهر اول می تواند ازدواج نماید. برای نمونه می توان به مسئله ۲۰۶۱ از رساله توضیح المسائل ناصر مکارم شیرازی اشاره کرد: «زنی را که در سه نوبت طلاق داده اند بر شوهرش حرام می شود ولی اگر با شرایطی که در کتاب طلاق آمده است با مرد دیگری ازدواج کند و سپس طلاق بگیرد می تواند با شوهر اول دوباره ازدواج کند».

### ۲-۳-۴. بررسی عدم جواز از دیدگاه عقل

چهارمین دلیل از ادله استنباط احکام در نزد شیعه، عقل یا دلیل عقلی است. «منظور از دلیل عقل هر حکم قطعی عقلی است که بتوان به کمک آن به یک حکم شرعی دست یافت» (اصفهان، ۱۴۰۴ ق: ۲۲۹). منبع عقل که از آن به پیامبر درونی نیز یاد می شود در مسئله حاضر به خوبی نمایانگر است، بدین توضیح که اساساً طلاق با لفظ نخست حاصل می شود و عقد ازدواج گسسته می شود و زن و مرد از هم جدا می شوند و دیگر عقد ازدواجی باقی نمی ماند تا صیغه طلاق در آن اثر کند. پس خواندن صیغه طلاق برای بار دوم و سوم در یک مجلس لغو خواهد بود. زیرا که زن با لفظ نخست مطلقه شده است و معنا ندارد که دوباره و سه باره طلاق داده شود و پیوند گسسته شده؛ دوباره گسسته نمی شود و طلاق وقتی تکرار می شود که هر طلاق پس از عقد ازدواج صورت گرفته باشد اگرچه این عقد با رجوع مرد صورت پذیرفته باشد و این امر مطابق فرمایش پیامبر اسلام (ص) است که می فرماید: «لا طلاق الا بعد نکاح» یعنی طلاق جزء پس از ازدواج صحیح نیست و اثری ندارد (ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق: ۶۳۱).

حال با توضیحات گفته شده، سوال اساسی این است که جواز تأیید سه طلاقه کردن در فقه اهل سنت از کجا ناشی می شود؟ با بررسی صورت گرفته در میان کتاب های روایی اهل سنت، خصوصاً صحاح سته، به مطالبی بر می خوریم که همگی حکایت از این دارند که تمسک اهل سنت در این موضوع، همانا

تأیید و امضای فعلی خلیفه دوم، عمر بن خطاب، می باشد که در این راستا مطلب ذیل عیناً از کتاب صحیح مسلم جلد دوم نقل می گردد: «عن ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ الطَّلَاقُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَأَبَى بَكْرٍ، وَسَنَّتَيْنِ مِنْ خِلافَةِ عُمَرَ، طَلَاقُ الثَّلَاثِ وَاحِدَةً، فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: إِنَّ النَّاسَ قَدِ اسْتَعَجَلُوا فِي أَمْرِ قَدِ كَانَتْ لَهُمْ فِيهِ آنَاءٌ، فَلَوْ أَمْضَيْنَاهُ عَلَيْهِمْ، فَأَمْضَاهُ عَلَيْهِمْ» (مسلم، ۱۴۰۴: ۱۰۹۹) یعنی ابن عباس گفت: طلاق در عهد رسول خدا (ص) و ابوبکر و دو سال اول حکومت عمر بدین نحو بود که تکرار سه بار لفظ طلاق در یک جلسه، حکم یکبار طلاق را داشت اما وی گفت: مردم در کاری که می بایست صبر پیشه کنند، عجله می کنند و از ما تصویب و امضای آن را درخواست دارند پس آن را برای آن ها تصویب و امضا کردیم. این روایت نشان می دهد که کاری که خلیفه دوم انجام داد، نه اجتهاد در موردی که نصی وجود نداشته، بوده است و نه تمسک به روح قانون، کار او اجتهاد در مقابل نص و کنار گذاشتن نص شرعی و حرکت مطابق رأی و تشخیص خود بود و متأسفانه با وصف فوق و در قرون بعد علمای اهل سنت با تکیه بر تأیید فعلی و عملی خلیفه دوم راهی را در پیش گرفتند که مخالف قرآن و سنت نبوی بوده و جامعه اسلامی خصوصاً مردم ساکن در کشور های عربی و سنتی نشین، خسارت های جبران ناشدنی را متحمل شدند.

از دیدگاه اکثر علمای اهل سنت، برای طلاق هیچ شرطی که جلوی سرعت وقوع آن را بگیرد، مانند حایض نبودن زن، پاکی بدون آمیزش، لزوم حضور دو عادل، مشروط نیست. بنابراین چه بسا، خشم بر مرد مستولی شود و زن را در یک مجلس، سه بار طلاق دهد و آن گاه که خشمش فرو نشست، بر عملی که انجام داده به حدی پشیمان شود که زمین با همه وسعتش بر او تنگ شود و به دنبال راه فراری بگردد، ولی رهایی از این مشکل را نزد مذاهب چهار گانه اهل سنت نمی یابد و در نتیجه فروماند و مورد سرزنش دیگران قرار می گیرد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۷).

بستن باب اجتهاد در مقابل امت اسلامی و منع اندیشمندان از استنباط احکام شرعی از کتاب و سنت، بدون اینکه به رأی و نظر امام خاصی ملتزم باشند، مشکلات زیادی را در رابطه با مسایل خانواده به وجود آورده است. در این رابطه، محمد حامد الفقی، نویسنده اهل سنت در مقدمه کتاب نظام طلاق در اسلام می گوید:

پیوند خانوادگی که خداوند آن را با ریسمان زوجیت تحکیم کرده است، در آستانه از هم پاشیدگی است و بلکه در بسیاری از طبقات اجتماعی از هم پاشیده شده است. ریشه این مسئله، سنت های بدی است که در ازدواج، رواج یافته و فقه های قدیم و جدید هم آن را تقویت کرده اند، به صورتی که طلاق، بیشتر به بازیچه و یا قید و بند تبدیل شده است. من در زندگی کاری ام، با مردان و زنان زیادی برخورد کرده ام که بدشانسی، آن ها را به مشکل طلاق دچار کرده و با درماندگی به این خشک مغزان مراجعه می کنند تا راه حلی فرا رویشان بگذارند؛ اما آن ها جز بر پیچیدگی مسئله، چیزی نمی افزایند (شاکر، ۱۳۵۶: ۱۱).

### ۳- تحلیل حقوقی داستان «پینه دوز شیرازی»

برای دریافت درکی دقیق تر و زیباتر از نحوه عمل محلل، این بخش از داستان را عیناً نقل می نمایم:

اکنون می رویم به مجلس عروسی... عروس را هفت دست آرایش کرده بودند و به راستی جا دارد بگوییم که به ماه می گفت تو در نیا من در می آیم. حسن و جوانی و جمالش چشم را خیره می ساخت و بلا اختیار صیغه فتبارک الله احسن الخالقین بر زبان جاری می گردید. داماد یعنی همان عمو عزیز الله عزیز خودمان را با آن ریش رنگ و حنا بسته در پی آینه عروس نشانده بودند. عاقد ملای بزرگ شهر است و با محررش هردو با ریش های تویی و عمامه های کلان، برای ایجاب و قبول: یغعد عقد را جاری ساخته اند و مراسم «بله گیری» هم به عمل آمده است و دو حرام را به یکدیگر حلال ساخته اند. اشرفی و شاهی و نقل بسیار بر سر عروس ریخته اند و از هرسو فریاد ها بلند است که «بادا، بادا، ان شالله مبارک بادا»

حالا دیگر لحظه ای است که شاه داماد باید به عروس نزدیک شده، توری صورت عروس را عقب بزند و داماد عروس را ببوسد. پینه دوز با حال ملتهب در جای خود نشست، چشم هایش را پایین انداخته و معلوم است که پریشان است و نفس در سینه اش سنگینی می کند. عرق بر پیشانی اش نشسته است و لبهایش بغمی نغمی لرزش مختصری دارد و اصلاً چنان می نماید که دارد در دنیای دیگری سیر می کند.

صداها بلند گردید که عمو جان، د بلند شو برو عروست را ببوس. سرش را بلند کرد و چشمان نیمه بسته اش را به عروس دوخت و صدای خفیفی از گلویش بیرون جست که «فتبارک الله» ولی جلوتر نرفت و همانجا خشکش زده بود. حضار خنده کنان و کف زنان بر اصرار افزودند. عمو باز از زیر چشم نگاهی به عروس انداخت و لبهایش به حرکت آمد و گفت: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و از جای خود حرکت نکرد.

منظره تأثر انگیزی بود. سرانجام عمو نزدیک رفت و پیشانی عروس را بوسید و عروسی با همین یک بوسه انجام گرفت. پس از انقضای مدت قانونی؛ عمو عزیز الله عروسی را که هنوز درست صورتش را ندیده و صدایش را درست نشنیده بود طلاق داد و داماد و عروس جوان از نو داماد و عروس شدند و عروسی کردند و به هم رسیدند و این دفعه دیگر قدر وصل و محبت پایدار را بهتر چشیدند و رفته رفته دارای یک پسر کاکل زری و یک دختر شیرین زبان هم شدند» (جمال زاده، ۱۳۹۱: ۲۵۴).

عمده ترین دلیل و برهان بر غیر واقعی بودن داستان «پینه دوز شیرازی»، نحوه عمل محلل می باشد، چنان که خواندیم، محلل تنها با بوسه ای که بر پیشانی عروس می نشاند عملاً وظیفه خویش را انجام داده و باعث می شود این دو جوان بتوانند مجدداً با یکدیگر ازدواج نمایند و حال آن که بر اساس روایت هایی از ائمه معصومین (به عنوان دلیل سنت) در فرض فوق حتماً می بایست آمیزش جنسی نیز بین محلل و عروس صورت پذیرفته باشد که در این رابطه می توان به حدیثی از امام صادق (ع) اشاره کرد:

اگر شوهری زن خود را طلاق دهد و بعد رجوع کند و بار دوم طلاقش دهد و باز رجوع کند و سپس بار سوم طلاق دهد این جاست که دیگر برای شوهر حلال نیست تا آن که شوهر دیگری کند و با او نزدیکی نماید (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۳۸۳).

هم چنین در شأن نزول آیه ۲۳۰ سوره بقره که می فرماید: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهٗ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهٗ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» یعنی اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند. اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند؛ در صورتی که امید داشته باشند که حدود الهی را محترم می شمردند. اینها حدود الهی است که (خدا) آن را برای گروهی که آگاهند، بیان می نماید. آمده است که «زن رفاعه قرظی از پیامبر اکرم (ص) می پرسد: من همسر پسر عمویم رفاعه بودم، او سه بار مرا طلاق داد، پس از او با مردی به نام عبدالرحمن بن زبیر ازدواج کردم، اتفاقاً او هم مرا طلاق داد بی آن که در این مدت آمیزش جنسی بین من و او انجام گیرد و آیا می توانم به شوهر اولم باز گردم؟ و پیامبر (ص) پاسخ می دهند که تنها در صورتی می توانی برگردی که با همسر دوم آمیزش کرده باشی و سپس آیه ۲۳۰ سوره بقره نازل می شود (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۱۱). از این رو فقهای امامیه، به تفصیل در این باب سخن رانده اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۲: ۷۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۴۱: ۱۵۱).

### ۳-۱. بررسی موضوع در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران

با مراجعه به قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، که اساسی ترین قواعد حاکم بر ارتباطات اشخاص با یکدیگر از قبیل احوال شخصیه، عقود و قراردادها، مسئولیت مدنی، حقوق تعهدات و هم چنین حقوق خانواده را در بر می گیرد. در ذیل مبحث اشخاص و در فصل سوم با موضوع موانع نکاح از کتاب هفتم این قانون، ماده ۱۰۵۷ اشعار می دارد: «زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او و به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد». ناصر کاتوزیان در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، در شرح ذیل این ماده می گوید: «سه طلاق با هم واقع نمی شود و شوهر باید سه بار زن را طلاق دهد و در دو طلاق نخستین در زمان عده به او رجوع کند یا عقد نکاح جدیدی واقع شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۶۵۶). هم چنین سید حسین صفایی و اسدالله امامی در کتاب مختصر حقوق خانواده در شرح ذیل این ماده ه یا پس از نکاح جدید واقع شده باشد، نمی تواند از نو با او ازدواج کند؛ زیرا ازدواجی که این قدر متزلزل و ناپایدار باشد، نمی تواند کانون خانوادگی خوشبختی به وجود آورد و بجاست که از تجدید آن پس از سه بار طلاق متوالی جلوگیری شود. به علاوه قانونگذار خواسته است بدین وسیله از تکرار طلاق جلوگیری کند.

لیکن چون در هر حال، وصل بهتر از فصل است؛ به ویژه ممکن است مصلحت اطفال اقتضا کند که زندگی زناشویی حتی پس از سه بار طلاق از سر گرفته شود، قانونگذار با شرایطی تجدید نکاح را پذیرفته است. تجدید ازدواج مرد با چنین زنی در صورتی مجاز است که: اولاً، زن با مرد دیگری ازدواج کند. این مرد از آنجا که ازدواج او با زن مطلقه، با شرایط مقرر، موجب حلال شدن زن به شوهر سابقش می شود، محلل نامیده شده است. اگر این ازدواج صوری و بدون اراده واقعی نکاح باشد، تأثیری نخواهد داشت و حرمت نکاح را از میان نخواهد برد. ثانیاً، نکاح دائم باشد نه موقت. ثالثاً، بین زن و مرد نزدیکی واقع شده باشد. رابعاً، نکاح به علتی مانند فوت شوهر یا طلاق منحل شده باشد. پس از تحقق این شرایط است که زن می تواند از نو با شوهر سابق خود ازدواج کند. این شرایط که قبول آن برای مردی که علاقه ای به زن خود داشته و بخواهد پس از طلاق با او مجدداً ازدواج کند بسیار دشوار است، سبب می شود که سه طلاق متوالی به ندرت اتفاق بیفتد (صفایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۵). می نویسند: بنابراین مردی که سه مرتبه متوالی زنی را طلاق داده، اعم از این که طلاق بعد از رجوع در ایام عده یا ملاحظه ماده ۱۰۵۷ از قانون مدنی و نیز مشاهده برخی از دکتربین حقوقی در شرح ذیل آن، انطباق نظر قانونگذار با فقه امامیه مشخص می شود. نیز باید بدانیم تاریخ نگارش داستان «پینه دوز شیرازی» ۱۳۵۲ هجری شمسی می باشد و ماده مذکور از سال ۱۳۱۴ هجری شمسی تصویب و برمحاکم، حکم فرما بوده است.

### ۳-۲. تقابل حقوق عاشقانه و حقوق کامجویانه در داستان «پینه دوز شیرازی»

مباحث مرتبط با حقوق خانواده، تفاوتی اساسی با دیگر موازین و شاخه های علم حقوق دارد. «اگر حقوق قراردادهای و مسئولیت مدنی، حقوق کاری است که می کنی، حقوق خانواده اما، حقوق عشقی است که می ورزی» (جعفری تبار، ۱۳۸۷: ۱۱۲). کمتر حقوقدانی پیدا خواهد شد که هنگام مطالعه و ملاحظه مواد قانونی مرتبط با حقوق خانواده این دوگانگی و تغییر را احساس ننماید. اگر در کشاکش سایر مواد و متون قانونی شاهد اوامر و نواهی قانونگذار هستیم. در

این بخش، لحن خشکِ مقنن نیز تغییر یافته است. به عنوان شاهد موضوع بنگرید به مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ از قانون مدنی که اشعار می دارند: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند و زوجین می بایست در تشییید مبانی خانواده بکوشند».

چنان که می دانیم برای تخطی از وظایف قانونی، ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده است. حال فرض نمایید که زن یا مردی در تشییید مبانی خانواده نکو شد و یا آن را سطحی بپندارد، ضمانت اجرای قانونی چه خواهد بود؟

هر که را اسرار عشق اظهار شد/ رفت یاری زانکه محو یار شد

شمع افروزان، بنه در آفتاب/ بنگرش: چون محو آن انوار شد (مولانا، ۱۳۷۷:۱۷۲)

«در تاریخ حقوق و فقه، دو گونه پارادایم را در حقوق خانواده می توان شناسایی کرد که آن ها را حقوق کامجویانه و حقوق عاشقانه نام می نهیم. در حقوق کامجویانه همه چیز بر محور رابطه زناشویی و قوه شهوانی است. اما بنیاد حقوق عاشقانه، محبت است نه شهوت، مؤانست است و معاشرت» (جعفری تبار، ۱۳۸۷: ۱۱۳). در تبیین مراتب شناخت این دو مقوله، نقطه آغازین همان شهوت و یا کشش طبیعی اشیاء به سمت همدیگر می باشد و در مراحل بعد این شور و هیجان اولیه کامل تر گشته و به محبت و ایثار که نقطه تعالی عشق است خاتمه می یابد. عطار نیشابوری در الهی نامه، در پایان داستان زن پارسا در مقام مناظره پسر و پدر این مطلب را به زیبایی شرح و بسط داده است:

پسر گفتش گر این شهوت نباشد/ میان شوی و زن خلوت نباشد

نباشد خلق عالم را دوامی/ نماند در همه گیتی نظامی

اگر شهوت نبودی در میانه/ نه من بودی و نه تو در زمانه

تو شهوت می براندازی ز مردان/ دلم را سر این معلوم گردان

پدر گفتش تو زنه از این میندیش/ که بر گیرم خیال شهوت از پیش

ولی چون تو ز عالم این گزیدی/ که هم این گفتمی و هم این شنیدی

بدان مانست که از صد عالم اسرار/ نه ای تو جز ز یک شهوت خبردار

من ات ز آن این سخن گفتم به خلوت/ که تا بیرون نهی گامی ز شهوت

چو با عیسی توان همراز بودن/ که خواهد با خری انباز بودن؟

چرا با خر شریک آئی به شهوت/ چو با عیسی توان بودن به خلوت

چو دائم می کند باقییت دعوت/ ز فانی در گذر یعنی ز شهوت

ز شهوت نیست خلوت هیچ مطلوب/ کسی که این سر نداند هست معیوب

ولیکن چون رسد شهوت به غایت/ ز شهوت عشق زاید بی نهایت

ولی چون عشق گردد سخت بسیار/ محبت از میان آید پدیدار

محبت چون به حد خود رسد نیز/ شود جان تو در محبوب ناچیز

ز شهوت در گذر چون نیست مطلوب/ که اصل جمله محبوب است محبوب

اگر کشته شوی در راه او زار/ بسی ز آن به که در شهوت گرفتار (عطار، ۱۳۸۸: ۵۴)

با این رویکرد به روابط عاطفی شخصیت های اصلی دخیل در داستان از چند منظر می توان نگاه کرد. از یک سو، زن و مرد جوانی که در اثر غرور و تعصب دچار لغزش آئی گشته و از فرط انزجار از یکدیگر، با سه طلاق در یک مجلس از هم جدا گشته اند که به ظاهر دیگر امکان رجوع وجود نداشته باشد. این بخش از داستان را از مصادیق حقوق کامجویانه می توان بر شمرد. اما پس از چندی نهال عشق که در وجود آن دو تن ریشه دوانده است یاد ایام گذشته را برای آن دو دلداده تداعی می کند و یگانگی عشق را به خاطرشان می آورد. به این بخش از داستان توجه نمایید: «سپس هردو پشیمان شده بودند و در آتش اشتیاق می سوختند و عزا گرفته بودند و با یک دنیا شور و شوق می خواستند از نو باهم عروسی کنند اما ... کار سخت پیچیده و دشوار شده بود و ... دل سنگ به حال آن دو جوان شور بخت می سوخت» (جمال زاده، ۱۳۹۱: ۲۳۴).

این مرحله را که محبت و عشق بر صفحه ضمیر این دو جوان نقش بسته است را می توان از مراتب حقوق عاشقانه بر شمرد. از سوی دیگر، ورود عمو عزیزالله پینه دوز به این رابطه را نیز می توان در نظر گرفت. پیرمردی صادق و صافی که خود را وامدار خاندان نمازی می داند و پس از درک رابطه عاشقانه دختر و پسر جوان و با آگاهی از بدنامی و شهره آفاق شدن نیز باکی به خود راه نمی دهد و حاضر به گره گشایی می شود. به این بخش از داستان توجه نمایید: «گفت نمی خواهم نمک شناس به قلم بروم. ای کاش این دو قطره خون کثیفی هم که در بدنم است در راه سعادت مندی کسانی که ولی نعمتم هستند به خاک بریزد ... اگر بخواهید سرم را هم مثل سر گوسفند ببرید آخ نمی گویم» (جمال زاده، ۱۳۹۱: ۲۵۰). در پایان داستان و پس از حل مشکل آن دو جوان عاشق پیشه وضعیت عمو عزیزا... این گونه روایت می شود:

عمو هم از سرمایه ای که به رسم هدیه عروسی به او داده بودیم یک جفت نر و ماده از این مرغ های خوش آوازی که (مرغ عشق) نام دارد خریده بود و در قفس زیبای سبز رنگی به طاق دکانش آویخته و انیس و مونس خود ساخته بود و باز مانند سابق در پشت همان کنده فرسوده پینه دوزی درفش به دست مشغول کار خود بود و هر روز پیرتر و ناتوان تر می شد. رنگ حنا به کلی از ریشش رفته، مویش یکدست سفید شده بود و از دل و دماغ افتاده بود بطوری که دیدنش دل آدم را می سوزانید و من هم کمتر به سر وقتش می رفتم ولی هروقت گزارم از جلو دکانش می افتاد و مرا می دید، چشمانش را که هرروز کم نور تر می شد به من می دوخت و سری می جنبانید و لبخند مرموزی در گوشه لبهایش نقش می بست و با صدایی که یک دنیا حسرت و ناکامی را می رسانید با همان لهجه کامل عیار شیرازی می گفت: جوان، خدا ترا میان جوان ها علمت کند و به تو ببخشد که دل خوابیده ای داشتم بیدارش کردی! (جمال زاده، ۱۳۹۱: ۲۵۶).

کاری را که پیرمرد پینه دوز در حق این دو جوان به عمل می آورد می توان از مراتب نهایی حقوق عاشقانه برشمرد. چراکه او با ایثار آبروی خویش به عنوان تنها سرمایه زندگی اش سبب گشایی از مشکل آن دو جوان می گردد.

#### ۴- نتایج و یافته های پژوهش

۱. حقوق به عنوان یکی از شاخه های علوم انسانی، به زندگی اجتماعی انسان نظر دارد و از این دیدگاه به او توجه می کند. از این منظر، وظیفه عالم علم حقوق، تنها تفسیر و اجرای درست قوانین نیست بلکه با قواعد خلاف مبارزه می کند و ذهن دادرسان و نمایندگان مجالس را برای طرد آن ها آماده می سازد. همچنین مفاهیمی نظیر عدالت و قانون را در هر جامعه و فرهنگی از خلال عقاید نویسندگان می توان به دست آورد. اندیشه های دانایان، اگرچه مستقیماً در ایجاد حقوق دخالت ندارند با این همه در هدایت فکری مراجع قانونگذاری نقش خود را ایفا می نمایند.

از سوی دیگر حقوق به تعادل میان قواعد اخلاقی و ضرورت های عملی نظر دارد و رابطه آن با اخلاق به سان دو دایره است که در پاره ای از نقاط، با یکدیگر هم پوشانی دارند و در واقع به لحاظ منطقی رابطه عموم و خصوص من وجه بین آن ها برقرار می باشد؛ بالطبع در حقوق خانواده که ترکیبی از قواعد حقوقی و اخلاقی است این امر نمود بیشتری دارد که در مبحث تقابل حقوق عاشقانه و حقوق کامجویانه در اثر مورد بحث به آن اشاره کردیم. در نتیجه یکی از چشم اندازهای ما در فرآیند چنین پژوهش هایی، کمک به حفظ اخلاق اجتماعی است چرا که بدون اخلاق اجتماعی، جامعه بشری نابود می شوند. با این نگاه، آثار داستانی نیز می تواند نمایانگر آموزه های حقوقی و نوعی نگاه آسیب شناختی به پدیده های اجتماعی همچون طلاق و ... باشد که تبیین صحیح آن و آموزش خوانش صحیح و برداشت درست از این گزاره ها و مفاهیم حقوقی، زمینه آماده سازی جامعه را برای زندگی بهتر و سالم تر فراهم خواهد نمود.

۲. داستان «پینه دوز شیرازی» با پرداختن به یک معضل اجتماعی و حقوقی و گوشزد آثار و تبعات آن به طور ناخودآگاه تأثیر شگرفی در ذهن و روان خواننده می گذارد، فضا سازی داستان و استفاده صحیح از عناصر داستان و ترسیم و توصیف جزئیات و صحنه ها، ضمن استفاده دلنشین و به جا از آرایه های ادبی همراه با مضمون عاشقانه، سبب ماندگاری بیشتر و بهتر در روح و روان خواننده می شود.

به طور طبیعی مخاطب داستان پس از مطالعه اثر، دچار تلنگری جدی می شود، این تلنگر او را به خود می آورد، وادار به اندیشه اش می کند، شتابزدگی در تصمیم و عواقبش را به او می نمایاند و نتیجه پیروی از عقل خداداد یا احساسات زود گذر را برایش می شکافد. کافی است آن بخش از داستان که مربوط به عروسی عمو عزیزا... (محلل) با دختر جوان است را در نظر بگیرید. از دید راوی داستان همه خوشحال و خندان هستند. با این همه بدون این که نویسنده اثر اشاره نماید می توانیم به غم و اندوه فراوان یک نفری ببریم و او هم کسی نیست جزء همان همسر سابق آن دختر؛ در آن شب چه می تواند به دل آن جوان شور بخت گذشته باشد. این هم ذات پنداری میان خواننده با آن داماد پیشین موجبات سلامت نفس خواننده و تعقل و دور اندیشی او را فراهم خواهد آورد.

در این پژوهش سعی شد مفاهیم حقوقی موجود در داستان «پینه دوز شیرازی» برجسته شود. بدیهی است که این افزایش آگاهی، اثرگذاری داستان را بیشتر می نماید و افق دید گسترده تری رافراوری مخاطب قرار می دهد. کارکرد هایی همانند زمینه سازی برای تحمل پذیرتر کردن زندگی و لذت بردن از آن، آموزش مهارت های زندگی به خرده فرهنگ هایی همانند خانواده، همگی از این مقوله اند. در نتیجه، پژوهش هایی از این دست عاملی خواهد شد در جهت پیشگیری و برخورد صحیح با پدیده هایی همانند طلاق و ناهنجاری های اجتماعی و این امر به حفظ کیان خانواده کمک خواهد کرد.

۳. پژوهش های کیفی، تلاشی هستند برای درک و شناخت یک پدیده از جهات و زاویه های مختلف و درگیر شدن در فرآیندی شبیه متبلور کردن پدیده ی مورد بررسی و در نظر بگیریم که از جمله اهداف تحقیق در مطالعات اجتماعی، تبیین، فهم، پیش بینی، تغییر، ارزشیابی و برآورد تأثیر است. با این رویکرد، انجام چنین پژوهش هایی در محیط های علمی بیش از هر زمان دیگری یک ضرورت محسوب می شود. نتیجتاً تمامی سازمان ها و ارگان های ذی ربط و مراجع قضایی و شبه قضایی در کنار محیط های علمی و دانشگاهی می توانند در یک بازه زمانی، بازخورد فرهنگی و اجتماعی چنین پژوهش هایی را ارزشیابی نمایند و در طرح ریزی سیاست های اجتماعی و فرهنگی خود از آن بهره ببرند. از سوی دیگر، به عنوان یک پژوهش علمی و آکادمیک که با رویکرد میان رشته ای صورت پذیرفته است. بستر مناسبی را برای آشکار کردن مسئله های تازه فراهم خواهد کرد و به پژوهشگران کمک می کند بدون واهمه در عرصه مطالعات تطبیقی و میان رشته ای وارد شوند و از این طریق در پویایی علم و دانش بشری نقش خویش را ایفا نمایند. می خورد.

## منابع:

۱. قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
۲. ابراهیمی، مرتضی (۱۳۹۳). «بررسی ضرورت های مطالعات میان رشته ای در حوزه علوم انسانی». فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۲، بهار: صص ۳۲-۹.
۳. ابن ماجه، محمد بن زید (۱۴۱۸ق). سنن. جلد اول. بیروت: دارالجمیل.
۴. احمدی، سعید صالح (۱۳۸۵). «رابطه بین ادبیات، حقوق و جامعه شناسی و اثر گذاری ادبیات بر دوران معاصر». مجله دانشکده ادبیات. شماره ۳: ۱.
۵. اصفهانی، محمد حسین (۱۴۰۴ق). الفصول الغریبه. قم: داراحیاء العلوم الاسلامی.
۶. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۷). «حقوق عاشقانه علیه حقوق کامجویانه، گفتاری در فلسفه حقوق خانواده»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۸. شماره ۱. بهار. صص ۱۲۳-۱۱۱.
۷. جعفری لنگرودی، محمد علی (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق. چ شانزدهم. تهران: گنج دانش.
۸. جمال زاده، محمد علی (۱۳۹۱). قصه های کوتاه برای بچه های ریش دار. چ ششم. تهران: سخن.
۹. سبحانی، جعفر (۱۳۸۵). «سه طلاق در یک مجلس و شهادت بر طلاق» فصلنامه فقه اهل بیت. سال ۱۲. شماره ۴۶. تابستان. صص ۹۲-۲۷.
۱۰. شاکر، احمد محمد (۱۳۵۶ق) نظام الطلاق فی الاسلام. مصر: مکتبه السنه.
۱۱. صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۳۸۹) مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۵ق). المیزان فی تفسیرالقرآن. قم: جامعه مدرسین.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). مجمع البیان. چ دوم. بیروت: دار المعرفه.
۱۴. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۸). الهی نامه. تهران: خلاق.
۱۵. علوی مقدم، مهیار (۱۳۹۷). «ضرورت بازشناخت «تفکرانتقادی» به مثابه رویکردی میان رشته ای درحوزه علوم انسانی و نقادایی»، کنفرانس سالانه پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، تهران، صص ۱۶۹-۱۵۶.
۱۶. قافی، حسین و سعید شریعتی (۱۳۹۵). اصول فقه کاربردی. جلد دوم. چ ششم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۸ق). قوانین الاصول. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶) قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. چ پانزدهم. تهران: میزان.
۱۹. کیانی، حسین و الناز جهانگیری و سعیده حسن شاهی (۱۳۹۶) «بررسی چگونگی توجه به حقوق کودک در داستان بچه های قالیباغچه؛ با تأکید بر حقوق کار در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی»، مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز. سال هشتم. شماره ۱. بهار و تابستان. صص ۹۳-۱۱۶.
۲۰. مالوری، فیلیپ (۱۳۸۱)، ادبیات و حقوق، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: آگه.
۲۱. محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۱). مبانی استنباط حقوق اسلامی. چ پانزدهم. تهران: مؤسسه انتشارات و چ دانشگاه تهران.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). قواعد فقه. چ پنجم. تهران: دادگستر.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). رساله توضیح المسائل. چ چهارم. تهران: پیام عدالت.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۶ق). القواعد فقهیه. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۲۵. مولانا، جلال الدین محمد (۱۳۷۷). غزلیات شمس. به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی. چ سوم. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۶. میر صادقی، جمال. (۱۳۹۴). ادبیات داستانی. چ هفتم. تهران: سخن.
۲۷. نسایی، احمد (۱۴۰۴ق). سنن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۸. نوریان محمدی، محمود (۱۳۹۱). واقع گرایی (رنالیسم) در داستان های هوشنگ مرادی کرمانی. به راهنمایی: محمد حسینیایی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند.
۲۹. نیشابوری، مسلم (۱۴۰۴ق). صحیح. بیروت: مؤسسه عزالدین.

## An analysis of Abbas Khalili's novel Black Times from the point of view of criminology

Afzali,Rasoul

\*Ph.D Student, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh Branch

Dr. Alavimoghaddam, Mehیار

Assistant Professor , Faculty of Letters and Humanities, Hakim Sabzevari, University Sabzevar, Iran

Dr. Firouzimoghaddam, Mahmoud

Assistant Professor , Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Branch Iran

### **Abstract:**

*Contemporary Persian fiction works as a rich and fruitful treasure, has various capacities and capabilities and this collection can be studied and researched from different perspectives and with different approaches. Numerous topics such as sociology, law and psychology are embedded in fiction. By contemplating about these works from the perspective of jurisprudence, especially criminology as a nascent and multidimensional science, research can be done that combines experiences and methods and simultaneously use the achievements of both Persian language and literature and he brought law and took a big step towards interdisciplinary studies. In the present article, the novel Black Times by Abbas Khalili as one of the first examples of social novels that emerged in response to the requirements of Iranian society in the first Pahlavi period will be examined and analyzed from a criminological point of view. In this work, the author has depicted the horrible situation of Iranian women through a socially critical view and vivid and painful descriptions. The achievement of this article, which has been done analytically-descriptively and based on the library method, indicates that contemporary Persian fiction works have legal teachings and pathological approaches in the field of issues related to criminological knowledge and the causes of crimes. The correct explanation of them and the correct reading of these legal propositions and concepts, bring the interdisciplinary link between literature and law and, consequently, the effective formulation of legal laws and regulations, and will be an effective factor in preventing crimes and reforming the individual.*

**Keywords:** Interdisciplinary studies, Black Times Novel, Abbas Khalili, Criminology.